

مجله‌ی حافظ‌پژوهی (مرکز حافظ‌شناسی - کرسی پژوهشی حافظ)
سال ۱، شماره‌ی ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱، پیاپی ۱، صص ۲۱۳-۲۲۲

کارنامه‌ی حافظ‌پژوهی در دوره‌ی جمهوری ترکیه

حجابی کرلانگیچ*

چکیده

حافظ، به‌عنوان شاعری منحصربه‌فرد، بعد از دوره‌های درخشان شعر فارسی، شعری را به وجود آورده است که می‌توان آن را تلفیق و ایجازی از جنبه‌های مختلف شعر گذشته دانست. حافظ در نتیجه‌ی این توانایی، به شهرتی جهانی دست یافته است. این شهرت، در سرزمین عثمانی، بیشتر از سرزمین‌های دیگر (به‌جز هند) بوده است. در دوره‌ی عثمانی، تدریس فارسی بسیار شایع بوده؛ بیشتر تحصیل‌کرده‌ها تاحدودی فارسی بلد بوده‌اند؛ علاوه بر این، از دیوان حافظ در مدارس عثمانی برای آموزش فارسی استفاده می‌شده است؛ بعضی از شاعران عثمانی با سرمشق قراردادن حافظ، براساس اشعار وی، نظیره‌ها سروده‌اند؛ همچنین، بعضی از شاعران و نویسندگان، علاوه بر ترکی و عربی، به فارسی نیز می‌نوشته‌اند. در دوره‌ی جمهوریت، در نتیجه‌ی گرایش قشر تحصیل‌کرده به فرهنگ و ادبیات غربی، علاقه و توجه به زبان‌های فارسی و عربی، رفته‌رفته، محدودتر شده است؛ بااین‌حال، زبان فارسی به‌کلی بی‌علاقه نمانده و شاعران و روشن‌فکرانی مشغول مطالعه‌ی آثار و اشعار فارسی، از جمله شعر حافظ بوده‌اند؛ همچنین، برای تدریس زبان و ادبیات فارسی، در دانشگاه‌ها کرسی‌های مخصوص باز شده و پژوهشگران به بررسی و تحقیق آثار فارسی مشغول شده‌اند و مترجمان و ادیبان به ترجمه‌ی آثار کلاسیک فارسی همت گماشته‌اند. در این مقاله، نخست، ترجمه‌های اشعار حافظ به زبان ترکی، معرفی و سپس، سیر حافظ‌شناسی و حافظ‌پژوهی در ترکیه بررسی شده است؛ بنابراین، کوشش شده تا از ترجمه‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی و نوشته‌های ادبی و فرهنگی درباره‌ی حافظ، چشم‌اندازی مختصر ارائه شود.

* استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آنکارا kirlangic@ankara.edu.tr

واژه‌های کلیدی: ترجمه‌ی ترکی حافظ، حافظ پژوهی در دوره جمهوری ترکیه، حافظ پژوهی در دوره‌ی عثمانی.

۱. مقدمه

ادبیات کلاسیک ترکی با زبان و ادبیات فارسی ارتباطی نزدیک و دیرین دارد. آغاز شعر ترکی در سرزمین آناتولی و بالکان را تا زمان مولانا و پسرش، سلطان‌ولد، می‌رسانند و دوره‌ی شکوفایی شعر ترکی در سرزمین عثمانی، هم‌زمان است با دوره‌ی حافظ شیرازی. شاعران عثمانی، غالباً، به زبان فارسی مسلط و از شعر فارسی به‌خوبی خبردار بوده‌اند؛ دیوان‌های آن‌ها شاهد این واقعیت است.

در دوره‌ی عثمانی، بیشتر شاعران به سرآمدان شعر فارسی، از جمله انوری، نظامی، مولانا، سعدی، حافظ، جامی، محتشم کاشانی، صائب و...، علاقه‌ای زیاد، نشان و بعضی از آن‌ها را سرمشق خود قرار می‌داده‌اند. گه‌گاه نیز، به پیشی گرفتن از برخی شاعران فارسی‌گو افتخار می‌کرده‌اند. از این منظر، حافظ برای شاعران و تحصیل‌کردگان عثمانی جایگاهی خاص داشت (رک. یازیچی، ۱۹۹۷: ۱۰۲-۱۰۶).

درباره‌ی ارتباط عثمانیان با زبان و ادبیات فارسی و درضمن، پیشینه‌ی حافظ‌شناسی در سرزمین عثمانی، تحقیقاتی متعدد انجام شده است. تصحیح و ترجمه‌ی متونی که در سرزمین عثمانی به زبان فارسی تألیف شده‌اند و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری در زمینه‌ی ادب فارسی در سرزمین عثمانی، از جمله‌ی این تحقیقات است؛ باین‌حال، کارهایی که در دوره‌ی جمهوری، درباره‌ی زبان و ادبیات فارسی و از جمله حافظ انجام شده‌اند، کمتر در کانون توجه محققان و ادیبان قرار گرفته است. حال‌آنکه در ترکیه، در دوره‌ی جمهوری، شاهد انجام کارهایی مهم در زمینه‌ی زبان و ادبیات فارسی هستیم؛ مثلاً، طرح ترجمه‌ی متون کلاسیک شرقی، به‌سرپرستی حسن عالی یوجل، وزیر معارف ترکیه، بین سال‌های ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۶ میلادی، در شناسایی آثار کلاسیک فارسی نقشی مهم داشته است.

در این مقاله، بعد از معرفی ترجمه‌های ترکی دیوان حافظ، به ترتیب، رساله‌های دکتری و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و مقالات علمی پژوهی که درباره‌ی حافظ نوشته شده‌اند، بررسی می‌شوند و در پایان، مقاله‌ها و نوشته‌هایی که درباره‌ی حافظ در مجله‌ها و روزنامه‌ها منتشر شده‌اند، به‌طور کلی، ارزیابی می‌شوند.

اگر از کتاب‌شناسی جامع مولانا که گروهی از محققان تهیه و منتشر کرده‌اند، صرف نظر کنیم، تاآنجاکه اطلاع دارم، هنوز کتاب‌شناسی مختصر یا جامعی درباره‌ی کارهای انجام‌شده در زمینه‌ی زبان و ادبیات فارسی و البته، حافظ، در ترکیه، چه در گذشته و چه امروز، تهیه نشده است. شکی نیست که این کار باید به‌رحال عملی شود.

۲. ترجمه‌ها

۲.۱. اولین ترجمه‌ی دوره‌ی جمهوری، از عبدالباقی گولپینارلی

عبدالباقی گولپینارلی با آنکه در ایران بیشتر به‌عنوان مترجم آثار مولانا معروف است (زیرا وی همه‌ی آثار مولانا را به ترکی برگردانده است)، درباره‌ی ادبیات کلاسیک ترکی و عرفان نیز، تحقیقاتی شایسته انجام داده؛ برای مثال، بعضی از دیوان‌های شاعران ترکی‌گو را تصحیح کرده است. تصحیح دیوان یونس امره، دیوان فضولی بغدادی، دیوان ندیم و حسن و عشق، تألیف شیخ‌غالب، از جمله کارهای وی هستند. گولپینارلی، علاوه بر آثار مولانا، از ادبیات فارسی، آثاری دیگر را نیز به ترکی ترجمه کرده است.

ترجمه‌ی عبدالباقی گولپینارلی از دیوان حافظ، به‌عنوان اولین ترجمه در دوره‌ی جمهوری ترکیه، در سال ۱۹۴۴ میلادی چاپ شده است. گولپینارلی بر ترجمه‌ی خود مقدمه‌ای مفصل نوشته که در آن، پس از آنکه به احوال، شخصیت و سبک حافظ پرداخته، سیر حافظ‌شناسی و تأثیر وی بر حیات ادبی و فرهنگی سرزمین عثمانی را بررسی کرده است.

وی در مقدمه‌ی مذکور، درباره‌ی متنی که برای ترجمه اساس قرار داده، اطلاعاتی شایسته داده است؛ بنابراین، مترجم در ترجمه‌ی خود، از دو نسخه، یکی نسخه‌ی ایاصوفیه و دیگری نسخه‌ی چاپی به تصحیح سیدعبدالرحیم خلخالی، استفاده کرده است. گولپینارلی در آن مقدمه، علاوه بر آنکه ویژگی‌ها و محتوای نسخه‌ی ایاصوفیه را معرفی

کرده، به چند نسخه‌ی قدیم دیگر نیز، به اختصار، پرداخته و گفته است به آن نسخ نیز، گه‌گاه، مراجعه می‌کرده است (رک. گولپینارلی، ۱۹۴۴: ۱۷). از تعلیقاتی که مترجم برای بعضی از اشعار نوشته است، معلوم می‌شود که شرح سودی بر دیوان حافظ نیز از منابعی مهم است که گولپینارلی درباره‌ی صحت منسوب بودن بعضی اشعار به حافظ از آن استفاده کرده است. در این ترجمه‌ی دیوان حافظ، مقدمه‌ای که محمد گلندام، جامع دیوان حافظ، بر دیوان او نوشته، گنجانده شده است.

گولپینارلی اثر خود را به دو بخش تقسیم کرده است: در بخش اول که بخش اصلی است، اشعاری که در تعلق آن‌ها به حافظ، برای گولپینارلی تردیدی وجود ندارد (به نظر می‌رسد وی در این ارزیابی پیرو سودی و خلخالی است)، درج شده است. در این بخش، ترجمه‌ی ۴۹۹ غزل، ۱ ترکیب‌بند، ۱ ترجیع‌بند، ۲ مثنوی (یکی از آن‌ها ساقی‌نامه است)، ۳۶ قطعه، ۴۲ رباعی، ۳ مفرد و ۲ معما قرار دارد. بخش دوم نیز دربرگیرنده‌ی اشعاری است که در صحت تعلق آن‌ها به حافظ تردید وجود دارد. این بخش حاوی ۸۰ غزل، ۱ مخمس، ۱۴ قطعه، ۲۶ رباعی و ۵ قصیده است.

گولپینارلی اشعار حافظ را به نثر ترکی، ترجمه و پایبندی به اصل متن فارسی را رعایت کرده است؛ هرچند متشور بودن این ترجمه، مطالعه‌کننده را از لذت شعر حافظ، نسبتاً، محروم می‌کند. یکی دیگر از ویژگی‌های این ترجمه آن است که گولپینارلی در کار خود، همچنان‌که در دیگر کارهایش نیز معمول است، زبان منحصر به خود را به کار برده که گه‌گاه، برای درک مطالعه‌کننده، به‌خصوص خوانندگان نسل جدید، مشکل ایجاد می‌کند؛ با این حال، این ترجمه سال‌ها به‌عنوان یگانه ترجمه‌ی ترکی کامل، با الفبای لاتین، چندین بار تجدید چاپ شده و مورد علاقه‌ی قشر تحصیل‌کرده بوده و هست.

۲.۲. ترجمه‌ای از یعقوب کنعان نجف‌زاده

درباره‌ی زندگی یعقوب کنعان نجف‌زاده، مؤلف و مترجم، اطلاعی کافی در دست نیست و فقط می‌دانیم که وی علاوه بر ترجمه‌هایی از ادبیات فارسی، از جمله بوستان و گلستان سعدی و دیوان حافظ، کتابی درباره‌ی آموزش زبان فارسی به ترک‌ها تألیف کرده است.

کارنامه‌ی حافظ پژوهی در دوره‌ی جمهوری ترکیه/حجابی قرلانغیچ _____ ۲۱۷

یعقوب کنعان نجف‌زاده ۱۷۳ غزل حافظ را به ترکی، ترجمه و در پیشگفتاری که بر کتاب خود نوشته، بیان کرده است که فقط غزل‌هایی را که در قدیمی‌ترین نسخه‌ی دیوان حافظ آمده، ترجمه کرده است (رک. نجف‌زاده، ۱۹۶۶: ۵)؛ با این حال، از نسخه‌ای که از آن استفاده کرده، سخنی نگفته است. به نظر می‌رسد این ترجمه چندان مورد استقبال قرار نگرفته و به فراموشی سپرده شده است.

۲.۳. ترجمه‌ی محمد کانار

محمد کانار، استاد زبان و ادبیات فارسی، مترجم آثار کلاسیک و جدید ادبی و عرفانی به زبان ترکی و مؤلف فرهنگ لغات فارسی به ترکی و برعکس است. او دیوان حافظ را از روی نسخه‌ی تصحیح‌شده به کوشش محمد قزوینی و قاسم غنی، ترجمه و در دو مجلد چاپ کرده است (رک. کانار، ۲۰۱۱). کانار اشعار حافظ را به سبک شعر نو، ترجمه و در آغاز هر شعر، وزن آن را بیان کرده و خوانش شعر را با حروف لاتین نوشته است.

۲.۴. ترجمه‌ی دیوان حافظ، به سعی حجابی قرلانغیچ

ترجمه‌ای دیگر از دیوان حافظ به سعی حجابی قرلانغیچ تهیه شده است. در این ترجمه نیز، متن تصحیح‌شده به کوشش محمد قزوینی و قاسم غنی در نظر گرفته شده و فقط، غزلی به مطلع «مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید/ که ز انفاس خوشش بوی کسی می‌آید» از چاپ خانلری به آن اضافه شده است. این ترجمه نیز، مثل کار محمد کانار، به سبک شعر نو است. در چاپ دوم این ترجمه، در آغاز هر غزل، اصل مطلع غزل آورده شده است (رک. قرلانغیچ، ۲۰۱۴).

۲.۵. آخرین ترجمه‌ی کامل دیوان حافظ، از اسماعیل سویله‌مز

اسماعیل سویله‌مز، به‌عنوان آخرین مترجم دیوان حافظ، کار خود را از روی تصحیح بهاءالدین خرمشاهی، به‌طرز شعر آزاد انجام داده است. از آنجاکه این ترجمه از روی نسخه‌ی خرمشاهی است، حاوی اشعاری است که در ترجمه‌های قبلی وجود ندارد (رک. سویله‌مز، ۲۰۲۰).

۲.۶. ترجمه‌ی منتخبی از غزلیات حافظ

علی گوزلیوز، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه استانبول، منتخبی از غزلیات حافظ را به زبان ترکی، ترجمه و منتشر کرده است. در این مجموعه، ترجمه‌ی پنجاه غزل حافظ به سبک شعر نو درج شده است (رک. حافظ شیرازی، ۲۰۱۶).

۲. پایان‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری

در دانشگاه‌های ترکیه، علاوه بر رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی، در رشته‌ی زبان و ادبیات ترکی، به‌ویژه در شاخه‌ی ادبیات کلاسیک ترکی، در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا، پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی نوشته می‌شود که برخی از آن‌ها، مستقیم و برخی غیرمستقیم، با حافظ‌شناسی مرتبط‌اند. بیشتر این پژوهش‌ها در مقطع کارشناسی ارشد و در زمینه‌ی ادبیات کلاسیک ترکی نوشته شده‌اند. پژوهش‌هایی که در رشته‌های زبان و ادبیات فارسی نگاشته شده‌اند، از نظر کمیت، بسیار محدود است؛ اما تعداد آن‌هایی که در رشته‌ی ادبیات ترکی دانشگاه‌ها درباره‌ی شروح اشعار حافظ نوشته شده‌اند، کم نیستند؛ به‌عنوان مثال، موضوع اصلی تعدادی از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، تصحیح و تحلیل قسمتی از شرح سودی بر دیوان حافظ است. بعضی از تحقیقات نیز، در زمینه‌ی ادبیات تطبیقی و مقایسه‌ی حافظ با یکی از شاعران دوره‌ی عثمانی نوشته شده‌اند.

از آنجاکه کتاب‌شناسی حافظ‌پژوهی، در ترکیه، هنوز تهیه نشده است، نمی‌توان اطلاعاتی دقیق درباره‌ی تعداد و کیفیت این پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها به دست داد. ما در اینجا فقط چند نمونه را مطرح می‌کنیم.

۲.۱. شرح دیوان حافظ (سودی)؛ کلمات، رمزها و مفاهیم (رساله‌ی دکتری)

این رساله‌ی دکتری که در رشته‌ی ادبیات قدیم ترک، در دانشگاه اینونو (İnönü Üniversitesi)، نوشته شده است، حاوی یک مقدمه و دو بخش اصلی است. ابراهیم قایا، نویسنده‌ی رساله، مقدمه را به شرح زندگی و احوال و آثار سودی بوسنوی اختصاص داده است. قایا، در آغاز قسمت اول، درباره‌ی شرح‌هایی که بر دیوان حافظ به زبان ترکی

نوشته شده‌اند، اطلاعاتی مفصل داده و بعد، شرح دیوان حافظ، اثر سودی بوسنوی را از نظر زبان‌شناسی و معناشناسی بررسی و تحلیل کرده است. در آخر این قسمت، ایراداتی که سودی بوسنوی بر دیگر شروح دیوان حافظ آورده، طبقه‌بندی شده است. قایا، در قسمت دوم این رساله، فهرستی از کلمات، رمزها و مفاهیمی مهم را که در اثر سودی بوسنوی آمده است، ارائه کرده و درباره‌ی بعضی از کلمات و مفاهیم، ابیاتی را از شعر حافظ نمونه آورده است (رک. قایا، ۲۰۰۸).

۲.۲. تصحیح و تحلیل ترجمه‌ی منظوم ترکی از دیوان حافظ به قلم فریدی (رساله‌ی دکتری)

ترجمه‌ای که فریدی، شاعر و ادیب قرن دوازدهم هجری، از دیوان حافظ کرده (ترجمه‌ی دیوان حافظ شیرازی لفریدی) با آنکه ترجمه‌ای کامل و موفق است، اشتباهی چندان پیدا نکرده است. تعداد اشعاری که در این ترجمه گنجانده شده است، به ترتیب، ۵۷۳ غزل، ۴۱ قطعه، ۶۹ رباعی، ۶ مثنوی و ۱ مخمس است. همه‌ی اشعار، غیر از پنج غزل، به وزن اصلی اشعار ترجمه شده‌اند (رک. یاقوت، ۲۰۱۵).

رساله‌ی مزبور را امرالله یاقوت، دانشجوی زبان و ادبیات ترکی دانشگاه استانبول، نوشته و بعدها، ریاست سازمان آثار مکتوب ترکیه (YEK) به‌عنوان کتاب، در دو مجلد، چاپ کرده است (رک. فریدی، ۲۰۱۹).

در این رساله و کتاب، نخست، نتایج پژوهشی درباره‌ی هویت و شخصیت مترجم، ارائه و سپس، ترجمه‌ی مزبور، بررسی، تحلیل و نقد شده است. در قسمت بعدی، نسخه‌های ترجمه‌ی دیوان حافظ، شناسایی و روش و ویژگی‌های تصحیح متن بیان شده است. بعد از این قسمت‌های تحلیلی و تحقیقی، کتاب ترجمه‌ی دیوان حافظ به قلم فریدی آورده شده که در آن به ترتیب، غزل‌ها، قطعه‌ها، رباعی‌ها، مثنوی‌ها و قصیده‌ها درج شده‌اند.

۲.۳. رندی در حافظ شیرازی و باقی (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد)

جعفر موم، این پایان‌نامه را در سه بخش نوشته است؛ در بخش اول، رندی در نگاه حافظ و در بخش دوم، رندی در نگاه باقی، شاعر معروف قرن دهم هجری، بررسی شده است.

در بخش آخر نیز، هر دو شاعر با در نظر گرفتن مضمون رندی، با هم مقایسه شده‌اند (رک. موم، ۱۹۹۹).

۳. مقاله‌های علمی پژوهشی

در سال‌های اخیر، افزایش چشمگیر در تعداد مقاله‌هایی که درباره‌ی ادبیات کلاسیک فارسی، از جمله حافظ نوشته شده است، به چشم می‌خورد. بیشتر این مقاله‌ها مستقیماً با کارهایی ارتباط دارد که در دوره‌ی عثمانی درباره‌ی ادبیات فارسی و شعر حافظ شیرازی انجام گرفته‌اند.

متأسفانه، تاکنون، از مقاله‌هایی که درباره‌ی ادبیات فارسی و حافظ شیرازی در ترکیه نوشته شده، فهرست یا تحقیقی منتشر نشده است و تعداد دقیق مقاله‌ها در این زمینه معلوم نیست. امید است در آینده‌ای نه چندان دور، کتاب‌شناسی‌ای تحلیلی از حافظ‌شناسی در ترکیه، آماده و در اختیار علاقه‌مندان گذاشته شود. در این نوشتار، سه مقاله را به‌عنوان نمونه معرفی می‌کنیم:

۳.۱. «تأثیر اولین بیت دیوان حافظ بر ادبیات عثمانی»

اسمعیل حقی آق‌صویاق، نویسنده‌ی مقاله، در این نوشته‌ی کوتاه، بیت مطلع دوازده غزل ترکی را که با مصراع اول دیوان حافظ، یعنی «الا یا ایها الساقی ادر کأساً و ناولها» شروع می‌شود، آورده و نوشته است که بعضی از شاعران نیز، اگرچه مصراع معروف دیوان حافظ را اقتباس نکرده‌اند، با پیروی از حافظ شیرازی، غزل خود را با مصراع عربی شروع کرده‌اند (رک. آق‌صویان، ۱۹۹۹: ۹۹-۱۰۲).

۳.۲. «تلفیقی از شرح‌های دیوان حافظ؛ کتاب زاهدبن محمد»

در مقدمه‌ی این مقاله که آن را اسما شاهین و مصطفی توران، به‌صورت مشترک، نوشته‌اند، بعد از تبیین سیر شرح‌نویسی ترکی بر دیوان حافظ در دوره‌ی عثمانی، اثر شارحانی که بر همه‌ی دیوان حافظ شرح نوشته‌اند، معرفی شده است. در قسمت اصلی این مقاله، درباره‌ی

کارنامه‌ی حافظ پژوهی در دوره‌ی جمهوری ترکیه / حجابی کرلانگیچ ————— ۲۲۱

زاهدبن محمد و اثرش، معلوماتی ارزشمند داده می‌شود. بنا به نوشته‌ی مؤلفان، زاهدبن محمد اثر خود را کتاب شمعی و سروری علی دیوان حافظ نام داده است و کتاب وی تلفیقی از دو شرح معروف شمعی و سروری است. زاهدبن محمد در کتاب خود در شرح ابیات حافظ، نکات مشترک این دو شارح را آورده است (رک. شاهین و توران، ۲۰۱۹).

۳.۳. «تغییرناپذیری ترتیب ابیات غزل؛ غزلی نمونه از حافظ شیرازی»

محور اصلی این مقاله، مسأله‌ی تسلسل معنایی ابیات غزل کلاسیک است. این مسأله‌ای است که بین دانشگاهیان مطرح است و شریفه یالچینکایا، نویسنده‌ی مقاله، با نمونه‌ای از غزل حافظ (غزلی به مطلع «ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما») آن را بررسی می‌کند. بنا به قول یالچینکایا، ترتیب ابیات این غزل در چاپ قزوینی با ترتیبی که در شرح‌هایی که به زبان ترکی بر دیوان حافظ نوشته شده‌اند، فرق دارد و به نظر نویسنده، در ترتیب ابیات این غزل، ترجیح شارحان عثمانی صحیح‌تر است (رک. یالچینکایا، ۲۰۱۸: ۱۸-۲۹).

۴. نوشته‌های مختلف

اینکه در مجله‌های فرهنگی و ادبی و روزنامه‌ها، گه‌گاه، نوشته‌ای درباره‌ی حافظ شیرازی یا ترجمه‌ی شعری از او چاپ می‌شود، نشان می‌دهد کم نیستند کسانی که به شعر حافظ علاقه دارند و از خواندن اشعار او، هرچند با ترجمه، لذت می‌برند.

۵. نتیجه‌گیری

عمده‌ی فعالیت‌های حافظ‌پژوهی که در ترکیه در دوره‌ی جمهوری انجام شده، بر ترجمه‌ی دیوان حافظ به ترکی و شرح آن متمرکز بوده است. در ترجمه‌ی دیوان حافظ، مترجمان، بیشتر، تصحیح‌های غنی قزوینی، خلخال‌ی و خرمشاهی را به کار برده‌اند. مطالعه‌های تطبیقی، از دیگر علاقه‌مندی‌های پژوهشگران ترک در زمینه‌ی حافظ‌پژوهی بوده است؛ بدین ترتیب، مقایسه‌ی دیوان حافظ و دیوان شاعران عصر عثمانی، از دیگر موضوع‌های حافظ‌پژوهی در ترکیه به شمار می‌رود؛ همچنین، مطالعه‌های تحلیلی، بیشتر،

در قالب مقاله ارائه شده و در پژوهش‌های مفصل‌تر، مانند رساله‌های دکتری و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، کمتر، به مطالعه‌های تحلیلی پرداخته‌اند.

منابع

- Aksoyak, İsmail Hakkı. (1999). “Hafız Divanındaki İlk Beytin Osmanlı Edebiyatına Etkisi”. *Bilig*, Sayı: 8, s99-102. (<http://turkoloji.yesevi.edu.tr/yonetim/icerik/makaleler/3488-published.pdf>)
- Ferîdî. (2019). *Tercüme-i Divân-ı Hâfız – Manzum Hâfız Dîvânı Tercümesi (İnceleme-Tenkitli Metin)*. 2 cilt, Hazırlayan: Emrullah Yakut, Yazma Eserler Kurumu Başkanlığı Yayınları, İstanbul.
- Gölpınarlı, Abdülkâki. (1944). *Hâfız Divanı*. İstanbul: Maarif Vekaleti.
- Hâfız-ı Şîrâzî. (2016). *Şaraba Bulanan Seccade -Hâfız Divanından Seçme Gazeller*. Tercüme: Ali Güzelyüz. İstanbul: Demavend Yayınları.
- Kanar, Mehmet. (2011). *Hâfız Divanı*. İstanbul: Ayrıntı Yayınları.
- Kaya, İbrahim. (2008). *Şerh-i Dîvân-ı Hâfız (Sûdî); Kelimeler-Remizler-Kavramlar*. İnönü Üniversitesi-Malatya (Doktora Tezi).
- Kırlangıç, Hicabi. (2014). *Hâfız Divanı*. Ankara: Hece Yayınları.
- Mum, Cafer. (1999). *Hafız-ı Şirazi ve Baki'de Rindlik*. İnönü Üniversitesi-Malatya (Yüksek Lisans Tezi).
- Necefzâde, Yakub Kenan. (1966). *Şirazlı Hafız Divanı*. İstanbul: Yeni Şark Maarif Kütüphanesi.
- Söylemez, İsmail. (2020). *Hâfız Divanı*. İstanbul: Kapı Yayınları.
- Şahin, Esmâ & Mustafa Turan. (2019). “Bir Hâfız Dîvânı Şerhleri Derlemesi; Zâhid bin Muhammed ve Eseri”. *Journal of Oriental Scientific Research (JOSR)*, volume: 11, issue: 3 (25), pp1411-1431. (<https://dergipark.org.tr/tr/pub/sarkiat/issue/50566/641874>)
- Yakut, Emrullah. (2015). *Ferîdî'nin Manzum Hâfız Divanı Tercümesi; İnceleme-Metin*. İstanbul Üniversitesi (Doktora Tezi).
- Yalçınkaya, Şerife. (2018). “Gazelin Beyit Sıralamasının Değişmezliği -Hâfız-ı Şîrâzî'nin bir Gazeli Örneği”. *Çeşm-i Cihan: Tarih Kültür ve Sanat Araştırmaları E-Dergisi*, c5, sayı: 1, s18-29. (<https://dergipark.org.tr/tr/download/article-file/405998>)
- Yazıcı, Tahsin. (1997). “Hâfız”. *TDV İslâm Ansiklopedisi*. C. 15.